

می اندیشم، پس بازی می کنم

آندره پیرلو

ماشاله انتشارات



www.goalgashh.ir

میراثنامه	پیرلو، آندره، ۱۹۷۹
Pirlo, Andrea	
عنوان و نام پدیدآور	می اندیشم پس بازی می کنم/ آندره پیرلو : [ترجمه] ماشااله صفری
مشخصات نشر	تهران: گلگشت، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۹۴۸-۵۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیا
توضیح	پیرلو، آندره؛ ۱۹۷۹ - ۳
توضیح	Pirlo, Andrea
توضیح	فوتبالیست ها - اندیشه - سرگذشته
شناسه افروده	صفری، ماشااله، ۱۳۶۲ - مترجم
زده بندی کنگره	۷ / ۸۶۱۲ ۱۳۹۳ / GV۹۴۲
زده بندی دیویی	۷۹۶ / ۱۳۴۰۹۲
شماره کتابشناسی می	۳۵۰۴۰۰



انتشارات گلگشت

می اندیشم، پس بازی می کنم

آندره پیرلو

مترجم: ماشااله صفری

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۹-۵۱-۵۹۴۸-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

www.golegasht.ir

انتشارات گلگشت

۳۳۹۸۲۸۸۸

نوشته چزاره پراندلی^۱، مربی تیم ملی ایتالیا

آندره آ پیرلو بازیکنی است که به همه تعلق دارد. مردانی مثل او باید گونه ای تحت حفاظت باشند. تمام زمین ها، زمین آندره اند. طرفداران به او نگاه می کنند و یک قهرمان جهانی را می بینند. او این قابلیت را دارد تا کاری کند که طرفداران تنها از تیم خود حمایت نکنند، آنها ایتالیا را در او می بینند.

باعث تعجب من نخواهد بود اگر آندره با لباس خواب لاجوردی به تخت خود برود، رنگ پیراهن آتروری^۲. عشق او به این پیراهن بی پایان است، بی حد و حصر. قبل از صحبت از آندره امروز (و فردا و همیشه)، باید به روزهایی برگردیم که من مربی تیم جوانان آتلانتا^۳ بودم. همیشه در طول هفته کلی صحبت از سخت ترین حریفان و هیجان انگیزترین استعداد جوان فصل داشتیم. معمولاً به میلان و اینتر اشاره می کردیم، اما بیشتر اوقات صحبت از برشیا^۴ بود، دشمن بزرگ.

یک روز مشغول آماده شدن برای تمرین بودیم که کمکم در حالی که نفس نفس میزد با سرعت وارد رختکن شد.

۱- Cesare Prandelli

۲- Azzurri: لقب تیم ملی ایتالیا به معنای لاجوردی ها

۳- Atlanta

۴- Brescia

«چزاره، یک بچه فوق العاده با استعداد دیدم، بی نظیره! اما مشکل اینجاست که برای جوانان برشیا بازی می کنه.»

چیزی که باعث تعجب من شد حرفهای او نبود، انگار خودش هم چیزی را که دیده بود باور نداشت و او کسی بود که صدها بازیکن در دوران خود دیده بود. جالب اینجا بود که یک هفته بعد جوانان آتلانتا باید با جوانان برشیا بازی میکرد. در تیم آنها بچه ای بود که دو یا سه سال از هم تیمی های خود جوانتر بود و در حالی که دست تکان میداد وارد زمین میشد، نام آن بچه پیرلوبود.

دهانم از تعجب باز مانده بود، هرگز چیزی مثل آن ندیده بودم. کاملاً مشخص بود که همه فقط و فقط او را تماشا می کنند و همگی یک فکر در سر دارند «این خودشه؛ استعداد جدید ایتالیا» در چشمان آنها او هرگز یک پسر بچه نبود.

پیرلو مردم را دور هم جمع میکند چرا که او خود فوتبال است. ماهرترین بازیکن در نوع خود، هرگز اشتباه بزرگی نمیکند - او ذات فوتبال است. به همین دلیل او به عنوان یک استعداد جهانی شناخته می شود، بازیکنی که هر ضربه اش به توپ حاوی پیغامی است.

پیغامی که میگوید حتی مردان معمولی هم می توانند استثنایی باشند.

بعضی از ما خوش شانس بودیم که آن روز در برگامو^۱ شاهد توانایی های او بودیم. درون زمین هیچ سهل انگاری از او سر نمی زند کمتر بازیکنی توانایی انجام کارهایی که او انجام میدهد را دارد. تعجبی ندارد که در پایان هر بازی ایتالیا صف بازیکنان تیم حریف بیرون رختکن ما می خواهند که پیراهن خود را با او عوض کنند، حتی حریفان هم او را دوست دارند.

یکی از شگفتی های آندره این است که او یک رهبر خاموش است. چیزی که در دنیای فوتبال به راحتی پیدا نمیشود. در دوران بازی ام، قبل از اینکه مربی شوم مردی بی نظیر را می شناختم، جئاتانو اسکیرتا.^۲ شباهت او به آندره عجیب است و روشی رهبری کردن آنها یکسان. لحظاتی که رهبران خاموش تصمیم میگیرند چیزی بگویند، تمام رختکن ساکت می شوند و گوش می دهند. من شاهد لحظاتی به یاد ماندنی بوده ام. اولی به عنوان هم تیمی جئاتانو و دومی به عنوان مربی آندره در تیم ملی.

هرگز آن تجربیات را فراموش نخواهم کرد. در مورد اول سرشار از حیرت بودم؛ در دومی سرشار از ستایش. درس کاملاً روشن بود: آنهایی که سرشان را پایین می اندازند بعد ها پاداش خود را برداشت می کنند و مهمترین این پاداش ها جلب احترام اطرافیانشان است.

در این کتاب آندره می گوید: «بعد از جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل، می خواهم از فوتبال ملی خداحافظی کنم. من قلبم را آویزان خواهم کرد. تا آن روز، هیچ کس حق ندارد از من بخواهد که کنار بکشم، غیر از چزاره پراندلی، حتی او هم باید دلایل تاکتیکی قابل قبولی داشته باشد»

می توانم صراحتاً بگویم که هرگز این کار را نمی کنم. سخت ترین کار برای یک مربی گفتن «دیگر کافیست» به یک استعداد واقعی است. چنین انتخابی تنها باید از طرف خود بازیکن باشد. اما، واقعاً حتی ارزش بحث هم ندارد: حتی یک دلیل هم وجود ندارد که تا پایان جام جهانی آندره را بیرون بگذارم.

مردانی مانند او و جی جی بوفون^۱ تجسم روح حقیقی ایتالیا هستند. اگر همه ارقی مانند آنها به کشورشان داشتند دنیای ما جای^۲ بهتری بود. بعد از نبرد های فراوان، انگیزه آنها دقیقاً مانند روزی است که برای اولین بار قدم روی چمن زمین فوتبال گذاشتند

آندره با یک رویا به دنیا آمد، و به ما اجازه داد تا رویا پردازی کنیم. هنوز همان پسر بچه ای است که سالها پیش دیده بودم، در پیراهن برشپایی که برایش گشاد بود. زمانی بود که جوانان آتلانتا می توانست او را به خدمت بگیرد، اما این بی احترامی بزرگی به برشیا بود. حتی جلسه ای برای به خدمت گرفتن او ترتیب دادیم

امارئیس ما پرکاسی^۱، که مردی روشن بود اعتقاد داشت این موضوع باعث اختلافات عمیقی خواهد شد.

کلمات او را هرگز فراموش نخواهم کرد: «پیرلو همانجایی که هست باقی می ماند. کسانی مثل او را باید به حال خود گذاشت. او نیاز دارد که از فوتبال لذت ببرد و با شادی بازی کند، نمی خواهم که هیچ فشاری روی او باشد. او باید بازیکنی باقی بماند که به همه تعلق دارد»

پرکاسی کاملاً درک کرده بود. پرکاسی پیرلو را درک کرده بود.